



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹، تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
چاپ: نشر روزتاب - تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۰ اذان مغرب ۱۹:۳۳ اذان صبح فردا ۵:۲۱ طلوع آفتاب ۶:۴۶

پرسش از فرهنگ

رابطه تکنیک فضایی با فرهنگ



ناصر فکوهی

■ فضا مفهومی بیولوژیک - فرهنگی است؛ بیولوژیک، از آن رو که هر نوع شکل‌گیری ذهنی و شخصیتی در انسان به مثابه فرد و به مثابه گروه اجتماعی، تنها با مشخص شدن «مرز»های فیزیکی در فضا، شناخت، درک، بازنمایی و درونی شدن آن امکان دارد. این درونی شدن سپس در تداوم خود در نظام عصبی - ماهیچه‌ای و کنشی، سبب می‌شود که کنشگر اجتماعی «خود» را برای «خود» و برای «دیگری» تعریف و تعیین کند و امکان مبادله کنشی و ذهنی با جهان پیرامونی را پیدا کند. فضا، اما مفهومی فرهنگی و نمادین نیز هست و «مرز»ها صرفا در طبیعت یا فیزیک تعریف نمی‌شوند، بلکه در نظام‌های نمادین - مناسکی مشخص شده و خود را به طبیعت انسانی و غیرانسانی تحمیل می‌کنند؛ چراغ قرمزی که به یک کنشگر دستور می‌دهد خودروی خویش را متوقف کند و به کنشگر دیگر اجازه می‌دهد از عرض خیابان عبور کند، نمادی فضایی است که کنشگران اجتماعی را به رفتارهای کنشی مشخص هدایت می‌کند. تمام نظام‌های فرهنگی، از ساده‌ترین آنها تا پیچیده‌ترین شان از کوچک‌ترین تا عظیم‌ترین شان از نظام‌های تبیین فضایی تبعیت می‌کنند. ادوارد هال، از مهم‌ترین متفکران مکتب مطالعات فرهنگی در کتاب خود «بعد پنجاه» این امر را در چار چوب مفهوم «فاصله» مورد بحث قرار داده است.

هال نشان می‌دهد چگونه کنشگران بنا بر فرهنگی که از آن ریشه گرفته‌اند و موقعیت خاصی که در آن قرار گرفته‌اند، فاصله فضایی با یکدیگر را تنظیم می‌کنند.

برای مثال چطور در فرهنگ‌های اروپایی غربی در یک گفت‌وگوی نیمه صمیمانه دو کنشگر به اندازه طول یک دست از یکدیگر فاصله می‌گیرند ولی در موقعیت مشابه در فرهنگ‌های عرب این فاصله عموما کمتر می‌شود. هال در این مطالعه به صورت گسترده فاصله‌های اجتماعی و معنای و نمادشناسی آنها را بررسی کرده است. اما فضا فراتر از مفهوم فاصله، شامل گستره بزرگی از مفاهیم دیگر نیز می‌شود: جدا و تفکیک‌سازی فضایی، تقسیم‌بندی‌های کارکردی فضا، ساختارهای گوناگون و روابط متفاوت در چیدمان واحدهای زمانی و مکانی و... از این جمله‌اند. پرسش اساسی در این میان آن است که این سازمان یافتگی، ساختارها، مدیریت‌های فضایی در میلاتات اجتماعی و انسانی، اموری خود انگیزخته به بازی‌ها و همسازی‌های (articulations) رفتاری هستند یا استراتژی‌هایی کنشی که می‌توان آنها را به کنشگران دیکته کرد.

گافمن (صحنه پردازی زندگی روزمره) و پی‌یر بوردیو (نظریه کنش) هر یک به گونه‌ای خاص خود به این پرسش پاسخ داده‌اند. اما با قرار دادن زاویه نگاه به موضوع در بعد سیاسی که به نظر ما اهمیت بیشتری دارد. اگر هائری لوفبور، فضا را حاصل یک تولید اجتماعی می‌داند، اکثر جامعه‌شناسان و انسان شناسان سیاسی، هدف نهایی قدرت سیاسی را اعمال حاکماتر هژمونی بر چگونگی تولید، انباشت، توزیع و روابط پیچیده درون این مناسبات فضایی می‌دانند. غافل از آنکه نظام‌ها و کنشگران اجتماعی در اغلب موارد خود به خود و براساس نیازهای بیولوژیک، کارکردی، مناسکی و غیره خود این چیدمان‌ها و روابط فضایی را تعیین - به اجرا در می‌آورند و برخورداری از حق استفاده از بدن و فضا را به ویژه در جهان کنونی، از ابتدایی‌ترین حقوق خود دانسته و در برابر محرومیت از آن به شدت از خود واکنش نشان می‌دهد. نکته مهم و قابل تاکید در آن است که چنین کنترلی که گفتمان‌های ایدئولوژیک به صورت‌های متفاوت آن را کاری ساده و بهر رو ممکن اعلام می‌کنند و برای انجام آن، بر اهمیت فرآیندهای ارتباطاتی، رسانه‌ای، تبلیغاتی و به ویژه آموزشی، تربیتی تاکید دارند، سهم بزرگی از پیچیدگی بیولوژیکی - فرهنگی در خود دارد که سطحی‌نگری‌ها اصولا قادر به درک آن نیستند.

از این رو هر گونه مطالعه و به ویژه هر گونه دخالت در نظام‌های فضایی یک جامعه ابتدا نیاز به درک روابط پیچیده‌ای دارد که میان نظام‌های فرهنگی عرفی یک جامعه با فرهنگ مشخص و نظام‌های ذهنی رسانه‌ای موجود در همان جامعه وجود دارند.

شش

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹، تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
چاپ: نشر روزتاب - تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۰ اذان مغرب ۱۹:۳۳ اذان صبح فردا ۵:۲۱ طلوع آفتاب ۶:۴۶

گذر فرهنگی

نگذاریم عاشقان، پاسوز عشق خود شوند

علیرضا رییس‌دانایی

مدیر انتشارات نگاه

خیابان کریم‌خان زند در سال‌های اخیر تبدیل به یک راسته جدید کتافروشی شده است و دست بر قضا



در حوزه ارایه کتاب‌های عمومی، هنری و علوم انسانی بسیار بهتر از راسته مقابل دانشگاه، خدمات به مشتریان خود عرضه می‌کند. راه‌اندازی جشنواره کتاب تلبستانی نیز از ابتکارات جذاب و قابل توجه این گروه از کتافروشان است؛ تلاشی برای جذب بیشتر علاقه‌مندان به کتاب و چه اقدام موثر و مفیدی که باید مورد حمایت همه علاقه‌مندان به کتاب قرار بگیرد. راستش در شرایطی که کم‌کم کتافروشی نسبت به

ارزش کاربری محل و رشد هزینه‌های جانبی تبدیل به کاری کم‌درآمد و گاه زیان‌ده می‌شود - رویه‌ای که حتی در کشورهای پیشرفته نیز در حال پیش آمدن است - آدم‌های عاشقی که سرمایه‌میلاردی خود را به عرضه کتاب اختصاص داده‌اند، جای تحسین و ستایش دارند. به عنوان مثال فروشگاه ثالث که محمدعلی جعفریه به‌رغم زیان‌دهی واضح آن با چه جسارتی در برابر وسوسه رو به تزاید بانک‌های خصوصی پایداری کرده و چراغ بزرگ‌ترین مرکز عرضه کتاب در بخش

تاش

هنر در واحد نمی‌گنجد

در تربیت خلاقه از قافله جهان به جای ماندنیم چه دلیلی از این واضح‌تر که بعضی کلاس‌های آزاد هنر در تهران و برخی شهرهای ایران شوق، بی‌تابی و پرکاری هنرجویان، بیشتر از بعضی از موسسات رسمی است! آیا یکی از دلایل مهم عدم پیشرفت، نحوه پذیرش هنرجو یا دانشجو در موسسات دولتی نیست؟ چگونه می‌توان با برنامه های کنونی به آنچه استعداد و شوق و خلاقیت می‌گویند نزدیک شویم.

در تمام دانشگاه‌های موفق جهان که زیر عنوان هنرهای تجسمی نامگذاری شده‌اند، دانشجویان بدون توجه به گرایش‌های موجود در دروس پایه عملی و مطالعات نظری و پایه‌های اصلی هنرهای تجسمی با هم به کار و مطالعه مشغول می‌شوند و اغلب در طی دو تا سه میانسال گرایش‌های اصلی خود را که با شوق و حساسیت‌های درون‌شان همزاد شده است، انتخاب می‌کنند.

با این همه در موارد ضروری و نه استثنایی تغییر رشته برای تمام دانشجویان هنری امکان دارد. البته در آیین‌نامه‌های آموزشی دانشگاه‌های هنر در ایران هم نوشته شده است اما از کجا می‌دانید که همه همکاران و مسوولان آموزشی با این نیاز مبرم موافق نیستند، آنها بی‌گمان آگاهند که میکل آنژ همسایه یک سنگ‌تراش بود و از کودکی در بازی با سنگ و تیشه عاشق مجسمه‌سازی شد. او برای دلش شعر می‌گفت، وقتی دست‌هایش سنگ مرمر را لمس می‌کرد شاعرتر می‌شد.

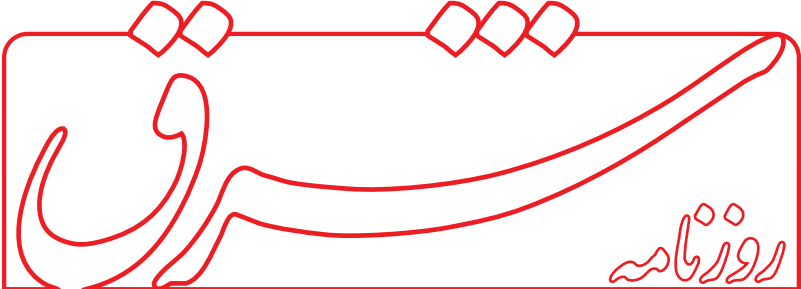
اما گفته‌اند در نقاشی‌هایش با تمام مهارت و استعداد و طراحی، حادثه‌های خلاق و شاعرانه کمتر رخ می‌دهد، و این شاید به این علت بود که آنها را با اصرار و سفارش دیگران انجام می‌داد و باید اثرش به وسیله دیگران فضات با اصلاح شود، او در اکثر رشته‌های موجود در زمانه ما از نقاشی تا معماری استاد و خلاق بود بی‌آنکه در هیچ دانشکده‌ای به طور واحدی آن رشته‌ها را پاس کرده باشد. شاید می‌دانست که هنر در واحد نمی‌گنجد.

باور کنیم که محتوای اکثر کتاب‌های موجود که از دهه‌های پیش از انقلاب تاکنون به‌عنوان راهنمای تعلیم و تربیت همه موجود است برای تقویت خلاقیت جوانان امروز کافی نیستند، مخصوصا کیفیت فضاهای آموزشی و آنچه در روند برنامه‌های تعیین‌شده جریان دارد و وقت آن است که یک انقلاب ریشه‌ای در عرصه پرورش، تعلیم و تربیت هنر‌ها به وجود آید. گرچه هیچ‌وقت برای رسیدن به آنجا که باید برسیم دير نیست!

اما زمانی رسیده است که مسوولان خلاق و دلسوز آستین بالا بزنند و کاری کنند که ما با چنین گذشته خلاق از کشورهای پیشرفته جهان بازمانیم. اینکه

گروه هنر: تالار ایوان شمس در شب جشن خانه سینما شاهد مراسمی برای بزرگداشت چهار نفر از اهالی سینما بود. انتخابی از میان جمع کثیر کسانی که در این سال‌ها، رویاها را برای آنان که تماشاگر فیلم‌ها هستند، آفرینند. در گوشه و کنار سالن، عکس‌های کودکی و کنونی این هنرمندان به چشم می‌خورد. در این مراسم بزرگداشت که به مناسبت روز ملی سینما برگزار شد، حسین پاکدل مجری این مراسم بود که این بار شروعرش کمی با مراسم‌های قبلی فرق داشت و با سخنان فرهاد توحیدی، رییس هیأت‌مدیره خانه سینما آغاز شد.

پس از آن اولین بزرگداشت و اهدای تندیس سیفالله داد به علیرضا زرین آغاز شد. کیومرث پوراحمد سخنانی درباره این دبیر پیشین کلون پرورش فکری کودکان و



سه شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۰ ۱۴ آشوال ۱۴۳۲ ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۱ سال نهم شماره پیاپی ۱۳۴۲ شماره ۴۱۸ دوره جدید ۲۰صفحه

جمال رحمتی

jamalrahmati@yahoo.com



تاش

برای ۷۰ ساله‌هایی که «زیست» را به «زندگی» بدل کردند

دنبال جهانی بهتر و زیباتر

پژمان موسوی

Pejman.mousavi@gmail.com



«زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست، هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود، صحنه پیوسته بجاست ای خوش آن نغمه که مردم بسپارند به یاد؟» زندگی چیست؟ چه معنا و مفهوم و راز و رمزی‌ها در پشت این کلمه به ظاهر ساده و پیش‌یافتاده قرار دارد؟ چگونه است که زندگی در نظر برخی تنها به «زنده‌بودگی» تعبیر می‌شود و در نظر برخی به «زندگی»؟ چه تفاوت‌هایی است بین «زنده بودن» با «زندگی کردن»؟ از همه مهم‌تر چه کسانی هستند آنان که تفاوت‌های این دو مفهوم را به تمامی درک کرده و می‌توانند نوع نگاه به زندگی را به جامعه خود ارایه کنند؟ آیا زندگی مدتی را در این جهان به سرکردن است؟ آن هم به هر قیمتی؟ در زمانه‌ای که بیش از همیشه زندگی معنا و مفهوم واقعی خود را از دست داده است، چگونه می‌توان تنها زنده نبود و زندگی کرد؟ آن هم در عصری که عصر تهی شدن زندگی است، عصر نیستی‌نگاری است و عصر سردرگمی، هستند اما در این بین افرادی که زندگی را «چور» دیگر یافته‌اند؛ نگاهی «دیگرگونه» به آن داشته‌اند و اکنون با کوله‌باری از تجربه‌های متفاوت، هر کدام مسرفصلی جداگانه‌اند برای دفتر زندگی، هم آنانی که خلاقیت را با تکرار ناسازگار یافته‌اند و آن را «خلاف آمد» عادت دانسته‌اند. جالب اینکه اینان همگی متولدین یک سال هستند: ۱۳۲۰-۱۳۱۹ یا به تعبیر دیگر همگی ۷۰ یا ۷۱ ساله‌اند؛ ۷۰ و ۷۱ ساله‌هایی «متفاوت» هر کدام در واحد نمی‌گنجد.

برداشت آخر

بزرگداشت کمال تبریزی، داوود رشیدی، مسعود بهنام و علیرضا زرین

جشنی به پاس یک روز

نوجوانان ایراد کرد؛ مردی که در سال‌های حضورش در این مکان فرهنگی امکان ساخت و تولید فیلم‌هایی هم چون دوند، باشو غربی‌های کوچک و... را فراهم کرده بود. حضور و سخنان محمد بهشتی و احمد مسجدجامعی و محمدمهدی عسگرپور و بیان سخنانی درباره این خادم سینما فضای مراسم را به سال‌های دور برده بود.

پس از آن نوبت بزرگداشت به داوود رشیدی بازیگر

طرحی برای مادرانی که کیبوتر نمی‌شوند

هنرپرس: اردشیر رستمی کتاب «مادرانی که کیبوتر نمی‌شوند» را طراحی می‌کند. اردشیر رستمی درباره فعالیت‌های اخیرش گفت: «روزهای پرکاری را پشت سر می‌گذارم و علاوه بر طراحی دو کتابی که شامل رباعی‌های طنز ایرج صفشکن و احمد اکبرپور است، طراحی کتابی را شروع کرده‌ام که ترجمه شعرها و ترانه‌های آذری است که «مادرانی که کیبوتر نمی‌شوند» نام دارد. رستمی در رابطه با بار ادبی این اثر افزود: کتاب «مادرانی که کیبوتر نمی‌شوند» کتابی است که آن را به همه ادب‌دوستان پیشنهاد می‌کنم چون آثار موجز و خوبی در آن گردآوری شده است.



ابوعطا

۱۱ سپتامبر چیست و چرا؟

هادی چپردار



■ البته بر صغیر و کبیر میرهن و تابلو است که ۱۱ سپتامبر یک روز خارجی می‌باشد که در آن اتفاقات مهمی افتاده می‌باشد. اما اینکه این اتفاقات چی می‌باشد معلوم نمی‌باشد. مثلا اکبرزاده که ته کلاس می‌نشیند می‌گوید که اینها همه‌اش فیلم می‌باشد و فیلم‌های خارجی خیلی خفن می‌باشد و در ماهواره همه فیلم‌ها همین شکلی می‌باشد که یک جایی منفرج می‌باشد و ساختمان دوقلو که چیزی نیست؛ حتی در بعضی از فیلم‌ها کل ناهم منفرج می‌باشد. پس وقتی فیلم‌های خوب خارجی این‌قدر بزن‌زن می‌باشد، تصادف هواپیما با ساختمان لابد فیلم خیلی آسانی می‌باشد. البته ما که خودمان ماهواره نداریم، اما در ماهواره فیلم‌های زیادی دیده‌ایم و شاید حرف اکبرزاده راست می‌باشد. در اینجا لازم می‌باشد خدمت معلم خود یادآوری گردانیم که آقا اجازه: اکبرزاده اینها ماهواره دارند و حتی یکبار که ماهواره‌شان را بردند، باز هم ماهواره خریدند.

برخلاف اکبرزاده، پورساحلی که همه قایل‌شان در خارج می‌باشد می‌گوید که ۱۱ سپتامبر یک جنایت بزرگ در تاریخ می‌باشد و در خارج هیچ آدمی نباید کشته شود. اما تروریسم‌ها و طالبان‌ها با لادن رفته‌اند به ۱۱ سپتامبر و سه‌هزار نفر را کشته می‌باشند. بنابراین باید به دنیا حمله گردانید و کشور عراق را دستگیر کرد و سیصد هزار نفر تروریسم و طالبان و لادن را تکه‌تکه گردانید تا دیگر کسی آدم‌ها را نکشد. در اینجا اکبرزاده به او می‌گوید: «پورساحلی، اون‌ی که کشتی متم»؛ که ما نمی‌دانیم پورساحلی چه‌جوری اکبرزاده به آن بزرگی را کشته می‌باشد. راستی در اینجا خدمت معلم کبیر امور تربیتی خود یادآوری می‌گردانیم که پورساحلی اینها هم ماهواره دارند.

اما خاتم‌آبادی که انشاهای خوب می‌نویسد، چند وقت است حرف نمی‌زند و فکر کنیم اکبرآبادی حال او را گرفته می‌باشد. بنابراین ما خودمان از او سوال گردانیدیم که ۱۱ سپتامبر چرا می‌باشد و او در گوش ما گفت که کشتن هر آدمی به هر اسمی جنایت می‌باشد. فکر کنیم این خاتم‌آبادی باز پشت اینترنت نشسته که حرف‌هایی می‌زند که ما سر در نمی‌آوریم. بنابراین بی‌خیال او شدیم. راستی آقا اجازه: ما خبرچین نیستیم، اما خاتم‌آبادی اینها اینترنت دارند.

حالا اگر از نظرات اینجانب خواسته باشید، ما فکر می‌کنیم که هرچند کشتن بد می‌باشد، اما ما خودمان این همه کشته می‌باشیم مثلا در تصادف‌ها خیلی کشته می‌باشیم. پس این خارجی‌ها و امپریالیسم‌ها خیلی نازکنارنجی می‌باشند که ده سال است دنیا را روی سرشان گذاشته‌اند؛ زیرا با اینکه ما در خانه ماهواره نداریم، هر وقت ماهواره را روشن می‌کنیم، درباره همین دارند حرف می‌زنند. بنابراین ما گاهی خودمان یواشکی دل‌مان خنک می‌شود که این‌همه سوسول خارجی و امپریالیست و صهلونیست کشته می‌باشد. اما این را به خاتم‌آبادی نمی‌گوییم که مبادا بفهمد ما آدم خسونت‌خوار می‌باشیم. ما از این انشا نتیجه می‌گردانیم که ریشه همه بدبختی‌ها در ماهواره و اینترنت می‌باشد و اگر اینها نبود، ما الان داشتیم مثل آدم فصل بهار را توصیف می‌گردانیدیم و می‌نوشتیم که علم بهتر است از ثروت و فولاد گوار را می‌نوشتیم. بنابراین ناظم کبیر ما باید از نمره انضباط اکبرزاده و پورساحلی و خاتم‌آبادی کم کند و ما شاگرد اول بگردانیم.

دکه

تحلیل مارک ت هنری در «هنر فردا»



■ چهارمین شماره فصلنامه «هنر فردا» با محوریت مبحث «مجموعه‌داری هنر و هنر مجموعه‌داری» و پرونده‌ای درباره عکس‌های «عباس کیارستمی» در ۲۲۴ صفحه به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شد. در این شماره، عکس‌های «عباس کیارستمی» از منظر قلم و محتوا مورد مطالعه قرار گرفته است. در بخش اقتصاد هنر، گزارش‌هایی از وضعیت مارکت هنر معاصر در سال ۲۰۱۰ انتشار یافته و چوان شماره‌های پیشین، این بار فروش آثار فرهاد مشیری را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. فصلنامه «هنر فردا» در داخل کشور در گالری‌ها و کتابفروشی‌های معتبر عرضه می‌شود.